

(۲)

پهلوان غلامرضا و پهلوان یدی

عبدالله اشرفی

اشاره:

زنده‌نگهداشتن یاد و خاطره‌ی پهلوانان نه‌آوند دلیرپرور دغدغه‌ی خاطر به‌جا و ارزشمند فرهنگیان همشهری از جمله جناب آقای عبدالله اشرفی است. وی در بیان خاطرات خود از نشست یک روز بهاری در باغ آقای سیدجمال ناظم که با حضور مرحوم پهلوان حسین قیاسی برگزار شده قصه‌هایی را از قول این پهلوان ادیب و فاضل بیان می‌کند.

ضمن تشکر، گزیده‌ای از گزارش ارسالی ایشان را نقل به مضمون از مرحوم پهلوان حسین قیاسی، به همراه حکایتی از یک پهلوان کرمانشاهی به اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسانیم. نویسنده‌ی محترم متعاقباً سروده‌ای برای فصل‌نامه ارسال داشته و در آن تأکید کرده‌اند که نباید، صرفاً به تاریخ گذشته تکیه کنیم و همان‌جا متوقف شویم بلکه باید به معضلات امروز خود بیندیشیم و برایش چاره‌اندیشی کنیم. گزیده‌ای از این سروده را نیز ملاحظه خواهید کرد.

«فرهنگان»

مرحوم محمد صادق معروف به «ماصاق» از پهلوانان پیش‌کسوت نه‌آوند بود. می‌گویند وی برای حل مشکل کم‌آبی شهر قناتی احداث کرد. «قنات پهلوان ماصاق» آبی زلال داشت، به طوری که «آب پهلوان ماصاقی» معروف بود. او چند فرزند پهلوان

داشت. معروف‌ترین آن‌ها پهلوان غلامرضا نایب احمدی بود که زورخانه‌ای را اداره می‌کرد. نایب غلامرضا قامتی بلند و برازنده و بدنی ورزیده داشت. وی در هنگام شنو رفتن در گود به اندازه‌ای شنو می‌رفت و استقامت می‌کرد که از عرق جبین و صورتش، خاک گود زیر تخته شنو چون خاک باران خورده تبدیل به گِل می‌شد! برادر کوچک‌تر نایب احمدی، به نام علی‌رضا، پهلوانی جسور و تیز چنگ بود و به سبب قوت و نیروی فراوانی که داشت، در چهره و قامتش قدرت و غرور عجیبی دیده می‌شد.

این پهلوان آن‌چنان اعتماد به نفس داشت و به خویشتن مغرور بود که روزی به تنهایی و به قصد هنرنمایی راهی کرمانشاه، سرزمین دلاور پرور و پهلوان خیز غرب، می‌شود و به بزرگ‌ترین زورخانه‌ی شهر می‌رود و بعد از به‌جای آوردن آداب زورخانه و مراسم پهلوانی، رخصت می‌طلبد و لنگ می‌بندد و وارد گود می‌شود و پس از اندکی نرمش و هنرنمایی تقاضای کشتی می‌کند و حریف می‌طلبد.

سردسته‌ی پهلوانان نامی آن زمان کرمانشاه قدم به میدان می‌گذارد و با او سرشاخ می‌شود. کشتی آغاز می‌شود و بعد از مدتی درگیری در داخل گود، سرانجام پهلوان کرمانشاهی مغلوب پهلوان نهاوندی می‌شود. پهلوان کرمانشاهی پرغرور از این که در حضور همشهریان ضرب شستی از این پهلوان غریبه و جوان می‌بیند جا می‌خورد، آن‌چنان که رسم و شیوه‌ی پهلوانی و مردانگی را رها می‌کند و از راه ناراستی و ناجوانمردی حس انتقام‌جویی و حسادت در وجودش شعله‌ور می‌شود. در نتیجه او را

تعقیب می کند و در یک فرصت مناسب از پشت سر با ضربه‌ی کاردی او را در آن دیار
 غریب رهسپار جهان دیگر می کند. خدایش غریق رحمت گرداند.^۱
 مولوی می گوید:

دشمنِ طاووس آمد پیر او ای بسا شه را که کشته فرّ او

هر که داد او حسن خود را در مزاد صد قضای بد سوی او رو نهاد

و اما از زبان حال او باید گفت:

افتاده اگر به خاک دیدی از شاخه جدا شقایقی را،

یا در دل موج سهمناکی طوفان شکسته قایقی را،

ای عشقِ مرا نکرده باور آن لحظه مرا به خاطر آور

گر صبح بهار جای شبنم بر گونه‌ی گل نگرگ دیدی،

یا صید به خون کشیده‌ای را افتاده به دام گرگ دیدی،

ای عشقِ مرا نکرده باور آن لحظه مرا به خاطر آور

در این جا داستانی از یک پهلوان دیگر کرمانشاهی می آوریم، تا گمان نرود که نسبت به

۱- قبر مرحوم پهلوان علی رضا نایب احمدی در کرمانشاه است. اما قبر برادرش مرحوم پهلوان
 غلامرضا نایب احمدی که زورخانه دار بود و صاحب بازوبند پهلوانی، در زیر چقای نهانند جنب قبر
 مرحوم موسی خان بیات است.

جامعه‌ی پهلوانان جوانمرد آن دیار قصد اهانتی در کار است ، به قول سعدی:

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی بَرَد

و تصور نشود که عمل ناجوانمردانه‌ی یک نفر به حساب جمع گذاشته می‌شود.

نقل کرده‌اند پهلوان یدی کرمانشاهی، پهلوان با یال و کوپال و معروف سرزمین غرب، ناشناخته و بدون نام و نشان وارد شهر نهاوند می‌شود و به محض ورود به این دیار، از مناره‌های مسجد و مأذنه صدای دل‌انگیز اذان مغرب را می‌شنود.

وی خدای را به بزرگی می‌ستاید و با گام‌هایی استوار قدم در مسجد می‌گذارد و نماز مغرب و عشا را در مسجد سرخیابان به جماعت برگزار می‌کند. آن‌گاه بعد از سلام و دعا و اتمام فریضه، طبق آداب اخوت اسلامی با فرد بغل دستی خود، که مردی کاسب بوده است، دست می‌دهد و پس از سلام و احوال‌پرسی می‌پرسد برادر، زورخانه‌ی مرکزی شهرتان کجاست؟ و آیا فرصت داری همراه من به بزرگ‌ترین زورخانه‌ی شهرتان برویم. وی پهلوان را، بدون آن که شناختی از او داشته باشد، به زورخانه‌ی اصلی شهر می‌برد.

پهلوان یدی به صورت ناشناس رخصت می‌طلبد و لنگ می‌بند و وارد گود می‌شود. او بعد از کمی ورزش و گرم شدن، تقاضای کشتی می‌کند و حریف می‌طلبد. پهلوانان نهاوندی همه زیر چشمی‌نگاهی به «سید میرزا آقا» [سجادی] می‌کنند. سید که بزرگ پهلوان و پیش‌کسوت همه‌ی ورزشکاران آن زمان بود با «پهلوان یدی» به کشتی گرفتن سر می‌نهد و بعد از درگیری زیاد توأم با مبارزه‌ای پی‌گیر سرانجام مغلوب پهلوان یدی کرمانشاهی می‌گردد.

دست بالای دست بسیار است در جهان پیل مست بسیار است

این پیام شکست در شهر می‌پیچد و زودتر از همه به اطلاع مرحوم پهلوان [احمد] اسفندیاری می‌رسد. پهلوان اسفندیاری آن‌چنان اعتماد به نفس داشت و به خود مغرور بود که می‌گوید: بروید به او بگویید منتظر بماند. من به زورخانه می‌آیم و با او کشتی

می‌گیرم و قسم یاد می‌کند به این که اگر چنانچه آن پهلوان پشت مرا به خاک برساند، دیگر تا آخر عمر وارد گود زورخانه نخواهم شد و برای همیشه کشتی را ترک می‌کنم. تو را به عشق قسم، این همه غرور مخواه که شیشه‌ی دل من بشکند گلاب شود پهلوان اسفندیاری با قدم‌های مصمم خویش به میدان رزم پهلوان یدی می‌شتابد و با او درگیر می‌گردد. اما از بد حادثه در این کشتی، تقدیر چیز دیگر می‌خواهد و کشتی تن آن مرحوم هم به گل می‌نشیند!

از آن پس، دیگر کسی مرحوم [احمد] اسفندیاری را در داخل گود زورخانه ندید که ندید! گفته‌اند مرحوم اسفندیاری در پایان عمر بر اثر ضرب مشت ناجوانمردی دچار جنون گردید و سرانجام کارش به مرگ کشید و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

یک شب دلی به مسلخ خونم کشید و رفت دیوانه‌ای به مرز جنونم کشید و رفت پس کوچه‌های قلب مرا جست و جو نکرد اما مرا به عمق جنونم کشید و رفت

باید پی افکنیم ز نوسازمان خویش

عبدالله اشرفی

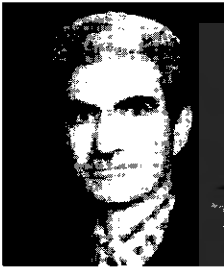
هرچه به روز نیست چو تاریخ منقضی است
عبرت بگیر و یاد کن از نسل این زمان
از مشکلات روز ملولیم و مانده‌ایم
پس کی حقوق حقه‌ی خود را توان گرفت
بیکاره شد زیاد بیا فکر کار کن
از روزگار رفته و فکر نماد کن
زنده کنیم ملت و عهد و زمان خویش

این عصر فصل دانش و علم و فناوری است
تاریخ را بخوان و توقف مکن در آن
ما قصه‌ی سکندر و دارا نخوانده‌ایم
ما را چه کار، گر که سکندر جهان گرفت
فکری به حال مردم این روزگار کن
عبرت بگیر از دل تاریخ و یاد کن
باید پی افکنیم ز نوسازمان خویش

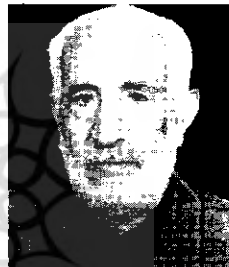
(۳)

تجلیل از پیش کسوتان ورزش باستانی نهاوند

گزارش از: محمدتقی شهبازی



علیرضا آقایی



سید حشمت الله سید آقایی

مراسم اعطای «احکام زنگ» به پیش کسوتان ورزش باستانی شهرستان نهاوند، آقایان سید حشمت الله سید آقایی و علیرضا قربانی طی مراسم باشکوهی با همت ریاست محترم تربیت بدنی و هیئت ورزش باستانی شهرستان با حضور پیشکسوتان، پهلوانان و هیئت ورزش باستانی استان همدان، مسئولین دستگاه های اجرایی شهرستان، هیئت های ورزشی، انجمن ها، اصناف، مؤسسات، پیش کسوتان، قهرمانان و ورزشکاران باستانی نهاوند در ساعت ۶ بعد از ظهر یکشنبه مورخ ۸۱/۱۰/۲۲ هم زمان با ایام بزرگداشت جهان پهلوان تختی در زورخانه پوریای ولی نهاوند برگزار شد.

در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و خوش آمدگویی ریاست محترم تربیت بدنی، آقای محمدتقی شهبازی نائب رئیس شورای اسلامی اجمالی از فلسفه و ماهیت ورزش باستانی را مطرح نمود و به نیابت از طرف هیئت ورزش باستانی به ارائه گزارشی عملکرد هیئت مزبور در چند ساله‌ی اخیر پرداخت. در ادامه، مراسم ورزش باستانی و اعطای احکام زنگ (بالا و پایین گود) به آقای سید حشمت‌الله سید آقایی و زنگ چرخ به آقای علیرضا قربانی به اجرا درآمد. در این مراسم، اجرای عملیات مرشدی توسط آقایان حبیب رضایی و مجتبی شهبازی، نشانی دیگر از توانمندی‌های شهرستان در عرصه‌ی این ورزش بود.

در پایان این مراسم هدایایی توسط ریاست محترم تربیت بدنی به آقایان سید آقایی و قربانی و کریم رضایی نائب قهرمان میل سنگین وزن کشور تقدیم شد و لوح‌های تقدیر نیز به اعضای هیئت ورزش باستانی نهاوند به مناسبت تلاش آنان در ارتقای سطح کیفیت ورزش باستانی شهرستان و موفقیت‌شان در مطرح نمودن این ورزش در سطح استان و کشور اعطا گردید.

اعطای «احکام زنگ» به عنوان رخدادی تاریخی در عرصه‌ی ورزش باستانی شهرستان، پس از گذشت سال‌ها و پس از صدور احکام پهلوانان نهاوندی، پهلوان مرحوم حسین قیاسی و پهلوان حاج موسی قیاسی صورت گرفت.

کسب این رتبه‌ها به منزله‌ی گذار از مراحل مختلف ورزشی، فرهنگی، اجتماعی و ایمانی مرتبط با ورزش باستانی است. ورزشی که ریشه در معیارهای اصیل شیعی و ایرانی دارد و بنیان‌گذار آن به سبک نوین پوریای ولی پهلوان نامی ایران زمین است. از آنجایی که هر جامعه فرهنگی و ورزش خاص خود را متبلور می‌کند، کسب این رتبه‌ها نشان از زمینه‌های غنی فرهنگی و ورزشی متناسب با جامعه‌ی ایرانی و مذهب

شیعی در شهرستان نهاوند دارد. این پدیده با مفاهیم و اصطلاحاتی زورخانه‌ای جلوه‌ای از سیر من الخلق الی الحق توسط دو پیشکسوت ورزشی از نهاوند است. با صدور این احکام اسامی این دو به عنوان مفاخر نهاوندی برای همیشه در تاریخ ورزش باستانی نهاوند و عرصه‌ی فرهنگ قومی و مذهبی این آب و خاک ماندگار می‌شود. این افتخار بر آنان و بر همشهریان گرامی باد. در اعلامیه‌ی این ورزش و این رخداد می‌خوانیم:

گر بر سر نفس خود امیری مردی گر بر دگران نکته‌نگیری مردی
مردی نبود فتاده را پای زدن گر دست فتاده‌ای بگیری مردی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی